

# سینمای «هنر و تجربه» در مسیر پیشرفت

هنر و تجربه گونه غیر تجاری سینما است که به اکران آثاری می‌پردازد که شاید در مسیر سینمای بدنه، گیشه موفق‌تی نداشته باشد، اما این گونه از سینمای ایران امروز مخاطب خود را پیدا کرده و در شرایطی مطلوب به سمت قله اهدافش حرکت می‌کند.

سینما هنری است که شاید از میان گونه‌های مختلف هنری – نمایشی مخاطب بیشتری داشته باشد، هنری که در بسیاری از موارد در طول تاریخ با پیام‌های مهم روی پرده نقره‌ای رفته و در مواردی هم با نگاهی تجاری دست به اکران فیلم زده است. شاید هیچ‌کدام از این موارد مضر نبوده و حتی برای هنز هفتم مفید هم باشند. سینما هم فیلم هنری – اجتماعی نیاز دارد حتی اگر گیشه را نترکاند و هم فیلمی پرפרوش نیاز دارد که به اقتصادش لطمه وارد نشود.

**سینمای هنر و تجربه، شریف‌های بی طمطراق** گروه سینمایی هنر و تجربه به‌عنوان گروه سینمایی غیر تجاری سینمای ایران فعالیت خود را از سال ۹۲ با اکران فیلم‌های هنری و تجربی در مؤسسه سینمایی هنر و تجربه ایرانیان، آغاز به کار کرد در این مدت و با ۸ سال فعالیت توانست با اکران بیش از صدها فیلم سینمایی، مستند، کوتاه و انیمیشن از هزاران سینماگر در این گروه با استقبال بسیار زیاد مخاطبان روبرو شود و شاهد یک تجربه منحصر به فردی از نمایش فیلم‌هایی که هیچگاه تا آن زمان رنگ پرده سینما را به خود ندیده بودند در سینمای کشور باشیم. هنر و تجربه هویتی که این گروه به سینمای کشور داد، باعث شد تا فیلم‌های هنری که پشت خط اکران مانده بودند، روی پرده بروند و حتی خیلی از سینماگران کشور که رغبتی به اکران فیلم‌های خود در بدنه سینمای اصلی نداشتند از این طریق فیلم های خود را در این گروه اکران کنند.

در این سال‌ها آن دسته از فیلم‌ها با ارزشی که در مقابل فیلم‌های غیرتجاری قرار داشتند فرصت اکران و کسب جایگاه شایسته و درخوری را در جامعه سینمایی توانستند کسب کنند و از این طریق خدمات زیادی را به ارتقای دانش سینمایی تماشاگران و همچنین ارتقای کیفیت هنری سینمای کشور کردند.

فیلم‌هایی که در این گروه اکران می‌شود بدون توقع فروش بالا و با خطاری راحت تنها به بعد هنری و سینمایی فیلم توجه می‌کنند، این اتفاق باعث می‌شود تا فیلم‌های تجربی که کارگردانشان به اصطلاح کار اولی است اقبال زیادی به این حوزه داشته باشند، از طرفی طیف سینما دوستانی که علاقه‌مند به آنچه هنری و اجتماعی آثار سینمایی هستند به این گروه سینمایی روی آورده و مخاطبش شده‌اند.

#### گوشه‌ای از آثار موفق هنر و تجربه

امیرعباس ربیعی کارگردان دو فیلم سینمایی «ضد» و «لباس شخصی» درباره این گونه از سینمای ایران گفته است: هنر و تجربه سینمای خاص‌تری نسبت به سینمای بدنه است، باید نتخیان و مخاطبان خاص سینما در جریان سینمای هنر و تجربه و فیلم‌هایش قرار بگیرند و این گونه سینما بیش از بیش تبلیغ شود تا تمام مردم با این سینما

مجید مجیدی مدیر رویداد عاشورایی «تصویر دهم» در آستانه برگزاری سومین دوره این رویداد بر استقلال آن تأکید و هدف «تصویر دهم» را انعکاس نگاه امام حسین (ع) ذکر کرد.

به گزارش مهر، نشست رسانه‌ای سومین رویداد فیلم کوتاه عاشورایی «تصویر دهم» با حضور مجید مجیدی مدیر، محمد رهبر دبیر و بهروز شعبی مدیر طرح و ایده این رویداد و همچنین با همراهی جعفر الادیب رئیس شبکه کربلا و نماینده آستان امام حسین (ع) صبح امروز دوشنبه ۲۲ مرداد برگزار شد.

در ابتدای این نشست پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید، مجید مجیدی ضمن خیرمقدم به حضار، تسلیت ایام محرم و تسلیت ویژه برای حادثه تروریستی شاهچراغ گفت: خوشحالیم که امسال توفیق پیدا کردیم که سومین دوره سوگواره را برگزار کنیم. البته باید امسال چهارمین دوره را برگزار می‌کردیم اما به خاطر شرایط سال گذشته فیلم‌ها به حد نصاب نرسید و برگزار نشد. وی افزود: این رویداد را ما از اول با این نیت شروع کردیم که در این مسیر جریان‌سازی کنیم و اخلاق حسینی، وجوه عدالت‌طلبی امام حسین (ع) را به منصف ظهور برسانیم. ما فقط دنبال این نبودیم که صرفاً آثاری برسد و رویدادی برگزار کنیم بلکه به دنبال این بودیم که جریان‌سازی کنیم و به تولید برسیم که امسال بحث تولید را به شکل جدی پیگیری کردیم. ما بنای جدی داریم که از تولیدات حمایت کنیم از همین جا از همه سینماگران دعوت می‌کنم که اگر ایده و موضوعاتی دارند به دبیرخانه ارسال کنند و ما از آثار برتر حمایت جدی خواهیم کرد. امسال خوشحالیم که در خدمت فیلمسازانی همچون رضا میرکریمی و بهروز شعبی هستیم که به صورت جدی در کنار مان خواهند بود.

محمد رهبر دبیر این رویداد هم توضیح داد: امیدواریم بتوانیم تولیدات فاخر و قوی را دریافت کنیم ایده‌هایی که سال گذشته ارسال شده بررسی خواهیم کرد این آثار توسط آقای شعبی بررسی می‌شود و افرادی که ایده‌ها را تا هفته آینده در سایت بارگذاری کنند داوری و در صورت مقبولیت مورد حمایت خواهد گرفت. ما امسال آثاری تا ۱۵ دقیقه را می‌پذیریم. آثاری که سال گذشته داوری نشدند، در صورت پذیرش داوری می‌شوند. شعار ما «از حسین (ع) آموختم» است در نتیجه از هر موضوعی که دربراه اخلاق و منش آن حضرت است آثاری را می‌پذیریم. ما توجه به اینکه اربعین نزدیک است از آثاری که امسال در مسیر

آشنا شوند.» وی ادامه داد: «فیلمسازان بسیاری از این روال عبور کرده‌اند؛ چه در محتوا، فرم و ایده. طبیعتاً مخاطب این سینما هم به این گونه است و مخاطبش خاص‌تر، اندیشمندتر و نخبه‌تر است.»

این کارگردان و نویسنده سینما تصریح کرد: «مسئولین فرهنگی باید به سینمای هنر و تجربه به اندازه سینمای بدنه توجه کنند و آن را جدی بگیرند چرا که آثار قابل قبولی در این سینما تولید می‌شود.»

#### از تعطیلی تا شروع دوباره

رفته رفته مدیران سینمایی دولت قبل از اهمیت این گروه سینمایی کاستند، با این اتفاق هنر و تجربه کم کم از رونق افتاد، این اتفاق تا دو سال گذشته و در دولت سیزدهم هم ادامه پیدا کرد تا اسفندماه سال ۱۴۰۰ که موسسه هنر و تجربه به عنوان محور اکران فیلم‌های کوتاه، انیمیشن، مستند و فیلم‌های بلند هنری و تجربی در ایران عملاً از سوی سازمان سینمایی سلب اختیار مسئولیت شد و جعفر صانعی مقدم مدیرعامل این مجموعه استعفاي خود را به هیات مدیره داد.

تعطیلی هنر و تجربه یک سال به طول انجامید تا نهایتا با اعلام محمد خزاعی این گروه سینمایی تبدیل به یکی از زیرمجموعه‌های مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی شد، حالا هنر و تجربه از یک مؤسسه سینمایی مستقل تبدیل به یکی از زیر مجموعه یکی از بخش‌های سازمان سینمایی شده بود، خیلی از منتقدان در آن زمان این اقدام را برخلاف سود سینما دانسته و آن را باعث تعطیلی دائمی هنر و تجربه عنوان کردند.

در نهایت در تیرماه سال گذشته بود که محمد حمیدی‌مقدم به‌عنوان مدیر مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی شروع مجدد راه هنر و تجربه



را اعلام کرد. وی در اظهار نظری گفته بود که گروه «هنر و تجربه» حفظ و بیشتر حمایت خواهد شد و واژه «هنر و تجربه» سرمایه سازمان سینمایی است و به کشف استعدادهای بسیاری منجر شده، پس مهم است که حفظ و حراست شود. آنچه نباید لطمه بخورد، تداوم نمایش این فیلم‌ها برای مخاطبان است.

بسه گفته حمیدی مقدم با قسول و حمایت محمد خزاعی هیچ وقعه‌ای در جریان نمایش فیلم‌های «هنر و تجربه» نخواهیم داشت و حتی به سالن‌های نمایش هم اضافه خواهد شد.

هنر و تجربه با همه‌ی اشکالات اجرایی‌اش، این ویژگی را داشت که می توانست فارغ از هر گونه نگاه سیستماتیک و تولیدی و اقتصادی به سینما نگاه کرده و حامی جریانی باشد که اغلب با سرمایه های خصوصی و شخصی نوید تجربه‌های تازه در سینما را می‌دهد.

در آن زمان بسیاری از منتقدان سینمایی قائل بودند که

سازمان سینمایی در عمل یکی دیگر از بسته‌های حمایتی

دولت از جریان خصوصی را با این تصمیم خود به بخش

دولتی واگذار کرده و باعث انتام و با تضعیف عملکرد هنر

و تجربه خواهد شد.

بعد از راه‌اندازی مجدد سینما هنر و تجربه امروز این گونه از آثار تقریباً در بهترین شرایط خود قرار دارد، به تازگی دو سینما به مجموعه سینماهای هنر و تجربه در کشور افزوده شده و تعداد سالن‌هایی را که به اکران آثار هنر و

تجربه می‌پردازند را به ۲۷ سالن رسانده است.

جداً از این موارد نگاهی به آثار حاضر در گروه سینمایی

هنر و تجربه گواهی برای رونق تولیدات آن است، «فیضان

ناکجا» به کارگردانی سید شهاب حسینی بازیگر مطرح

کشورمان یکی از این آثار است، فیلمی که با افتاحیه‌ای بزرگ اکرائش را در هنر و تجربه آغاز کرد تا نشانی از اهمیتی باشد که هنرمندان به سینمای هنر و تجربه دارند. مستند «کاپیتان من» به کارگردانی سیاوش صفاریان‌پور و با تهیه‌کنندگی و حضور بهرام رادان یکی دیگر از اینن آثار است که در گروه سینمایی هنر و تجربه در حال اکران است.

جداً از حضور بازیگران چهره در این سینما آثاری هم وجود دارد که مخاطبان بسیاری را حتی به نسبت آثار سینمای بدنه به سالن‌های سینما کشانده است، برای مثال سینمایی «پسر انسان» تا امروز با اکران در ۱۷۲ سانس ۵ هزار و ۱۶۸ مخاطب داشته و این یعنی به‌طور میانگین در هر سانس ۳۰ مخاطب داشته و در مجموع بیش از ۲ میلیارد تومان فروش داشته است.

این در شرایطی است که در سینمای بدنه کشور «شهر هسرت» به‌عنوان دومین فیلم پر فروش جدول با ۲۵ هزار و ۱۹۲ سانس ۹۶۶ هزار و ۵۲۲ مخاطب داشته که این عدد نشان دهنده میانگین ۳۸ نفر در هر سانس است که فاصله زیادی با «پسر انسان» در هنر و تجربه ندارد.

همه اینها نشان دهنده رشد سینمای هنر و تجربه به‌عنوان بعد غیر تجاری سینمای ایران است.

#### حمایت کنید، نتیجه می‌گیرید

گروه سینمایی هنر و تجربه جدا از موارد بیان شده و فارغ از کارگردانی که از اساس علاقه‌مند به فعالیت در این گروه هستند و اکران آثارشان را در همین گروه انجام می‌دهند مسیری مهم و قابل اتکا برای ورود فیلم‌سازان دغدغه‌مند به سینمای بدنه کشور است.

رونق در هنر و تجربه می‌تواند به رونق رد سینمای بدنه هم کمک کند، در شرایطی هم که امروز توجه به آثار معناگرا در مارکت درگیر گیشه سینمای بدنه مغفول مانده و حتی ذائقه مخاطب تغییر کرده و فیلم‌هایی که هم از لحاظ سینمایی و هم از لحاظ محتوایی قابل اعتنا هستند به فروش کم در سینما دست پیدا می‌کنند به‌نظر هنر و تجربه فضا و بستر مناسبی برای رشد این گونه از آثار است. قطعاً رونق آن می‌تواند به ذائقه‌سازی درست برای مخاطب هم کمک کند.

سهراب صباغیان در این رابطه نوشته است: «ساختار فیلم‌های گروه هنر و تجربه به شکلی است که نباید از آن‌ها انتظار فروشی روایی مشابه فیلم‌های سینمای بدنه داشته باشیم. این فیلم‌ها اساساً برای اقشار خاصی از سینماروهای ایرانی اکران می‌شوند که انتظارات متفاوتی از یک فیلم سینمایی دارند.

فلسفه تاسیس گروه سینمایی هنر و تجربه این بود که فیلم‌هایی تجربی سینمای ایران که توانایی رقابت با فیلم‌های تجاری در گیشه را ندارد به طور جداگانه اکران شود. تمام فیلم‌هایی که در گروه هنر و تجربه اکران می‌شوند نیاز به حمایت بیشتری از سوی نهادهای دولتی دارد. حمایت از اینن فیلم‌ها چند مزیت دارد. اول این که باعث ارتقا سطح فرهنگی تماشاگران سینما می‌شود. دوم این که باعث می‌شود تا کارگردانان سینمای از ساخت فیلم‌های جسورانه‌تر ترسند و برای ساخت فیلم به سراغ تجربه‌های تازه بروند.»

کشور از جمله مساجد و… استفاده خواهیم کرد. تأکید داریم که این جریان به هیچ کجا وابسته نیست بلکه عشق و علاقه جمعی از عاشقان امام حسین (ع) باعث بناگذاری این رویداد شده است البته سیاست‌های هیچ‌کس و هیچ نهادی به ما سایه نخواهد انداخت.

مجیدی درباره خطوط قرمز این رویداد مطرح کرد: تفسیر سیاسی از این رویداد نداشته باشید، بگذارید آثار بدون هیچ تفسیری حضور پیدا کند بعد درباره خط قرمزها صحبت کنیم در زمان حال هیچ قرمزی وجود ندارد، خط قرمز ما تنها این است که در محدوده و تفکر آقا امام حسین (ع) باشیم. ما خودمان را محدود به چیزی نکردیم.

وی گفت: ما فعلاً داریم بذری را می‌باشیم و می‌خواهیم بستری را برای این فیلم‌ها فراهم کنیم ما می‌خواهیم فتح بابی نشود تا یک سری آثار ساخته شود که مسیر باز شود. وقتی صحبت از وقایع تاریخی می‌شود همه ما ذهنمان به سمت خود واقعه می‌رود ولی نسبت به امکانات سینمایی کارهای ما می‌تواند فراتر باشد. منبای هر آنچه در حادثه کربلا پیش آمده پس اخلاق بوده و این موضوع برای ما اهمیت دارد امیدواریم این رویداد در سال‌های آینده ظرفیتی برای کارهای بلند فراهم کند. این حرکتی است که ما شروع کردیم و قطعاً فعلاً باید در حوزه فیلم‌های کوتاه و مستند حرکت کنیم.

رهبر درباره مبلغ حمایتی عنوان کرد: مبلغ حمایت بنا به کیفیت اثر متفاوت خواهد بود. مبلغ خاصی را در نظر نگرفتیم اما حداقل حمایت ۳۰ میلیون تومان است اما حداکثر حمایت را بعداً اعلام خواهیم کرد. برای سال‌های آینده برنامه اکران در مسیر پیاده‌روی اربعین داریم اما امسال چنین برنامه‌ای نداریم.

شعبی درباره اقتباس ادبی در آثار توضیح داد: ادبیات و سینما حوزه نزدیک به هم هستند که البته هنوز در کشور ما پیوندی میان آنها نیست. صحبت از این موضوع هم مربوط به دوره‌های بعد می‌شود. ضمن اینکه تمام تلاش ما برای ساخته شدن آثار است درواقع ما قرار نیست سنگ‌اندازی کنیم پس هر کمکی که برای اجرایی شدن یک فیلم از دست‌مان بر بیاید، انجام خواهیم داد. امیدوارم این جشنواره نشردهنده مضامین مختلف باشد و بتواند جرقه‌ای برای فیلم‌هایی باشد که با مخاطب عام طرف است. تمام تلاش ما برای ساخته شدن فیلم‌های بهتر است. حتی دوستانی که ایده‌های خوبی دارند اما نمی‌خواهند آنها را بسازند سعی می‌کنیم این دوستان را به سینماگران متصل کنیم.

این روزها اجرای برنامه پانوتلیگ را برعهده دارد؛ مسابقه تلویزیونی با محوریت پانتومیم که در آن، شرکت کنندگان در قالبی جذاب و سرگرم کننده با هم رقابت می‌کنند.

بهمن هاشمی مجری قدیمی تلویزیون هم قرار است با «میدون» به تلویزیون بازگردد. بهمن هاشمی که ۳ سال از فضای اجرا و تلویزیون فاصله داشته امسال با «میدون» به تلویزیون باز می‌گردد.

### «چراغ‌های روشن شهر» روانه بازار نشر شد

کتاب «چراغ های روشن شهر» نوشته فائزه ساسانی خواه توسط انتشارات سوره مهر منتشر و راهی بازار نشر شد.

به گزارش مهر، کتاب «چراغ های روشن شهر» نوشته فائزه ساسانی خواه به تازگی توسط انتشارات سوره مهر منتشر و روانه بازار نشر شده است. این کتاب در بردارنده خاطرات فرهادی است، روایت روزهای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و حضورش در فعالیت‌های فرهنگی و تحول شخصیتش تا سال‌های پس از پیروزی و آغاز دفاع مقدس مردمی ایران است.

این کتاب در ۳۰ فصل و به‌علاوه یک بخش پیوست‌ها آماده و تدوین شده است. فرهادی در زمان آغاز جنگ دختری ۱۵ ساله است و قرار است وارد دوره متوسطه شود که آتش ماشین جنگی صدام مدارس را به تعطیلی می‌کشاند و فرهادی را عازم مسجد جامع خرمشهر می‌کند. مسجدی که مرکز هدایت کمک‌های مردمی در زمینه‌های گوناگون بوده و پایگاه مقاومت مردم شهر محسوب می‌شده است.

در بخشی از اینن کتاب که مربوط به روزهای آغازین جنگ و مقاومت مردم در خرمشهر است می‌خوانیم:

صبح که برای نماز بیدار شدیم، صدای انفجارها بیشتر و نزدیک تر شده بود. بعد از صبحانه، رادیو را روشن کردیم. گوینده رادیو مردم را به حفظ آرامش و صبر دعوت می‌کرد. از مردم می‌خواستند با توجه به احتمال قطع شدن آب، هر چه می‌توانند آب ذخیره کنند.

قالیمه‌ها را از آشپزخانه بیرون آوردیم. یکی از قالیمه‌ها پر از شکر بود. اشرف آن را در ظرف دیگری خالی کرد. قالیمه‌ها را پر از آب کردیم. بعد، من و اشرف به سمت مسجد جامع راه افتادیم. به زن عمو سیردم اگر بابا آمد دنبال، بگوید خیالش راحت باشد جای دوری نمی‌رویم.

راهی مسجد جامع شدیم تا هر کاری از دستمان برآمد انجام دهیم. تجمع مردم، مثل روز قبل، زیاد بود. آنجا شنیدیم خیابان شهید مقبل را با توپ زده اند. خیابان شهید مقبل نزدیک خانه عمو بود. با شتاب برگشتیم. ببینیم چه اتفاقی افتاده است. نرسیده به خیابان از زمین دود بلند می‌شد. جلوتر رفتیم. چند خانه خراب شده بود. جمعیت، جلوی خانه‌ها ازدحام کرده بود. چند نفر در اجاره نزدیک شدن به آنجا را نمی‌دادند و از مردم می‌خواستند متفرق شوند تا ازدحام مانع کارشان نشود. بهت زده به دور و برم و به خانه‌های ویران شده نگاه کردم و با خودم گفتم: «عراقی‌ها از چه سلاحی استفاده می‌کنند که خانه‌ها رو رو سسر مردم خراب می‌کنه؟ توی این خانه چند نفر زندگی می‌کرده‌اند؟ چند نفر زنده از زیر آوار بیرون اومده‌اند؟ چند نفر شهید شده‌اند؟ به چه گناهی شهید شده‌اند؟

مجروحان و شهدا را خاک آلود و خونی از زیر آوار بیرون می‌کشیدند و توی ماشینتی که در آن نزدیکی بود می‌گذاشتند حضور مان در آنجا بی فایده بود. به سمت خیابان نقدی برگشتیم… چند دقیقه بعد، یکی از پسرها آمد توی حسینیه و رو به ما گفت: «خواهرها کفن‌ها آماده شده؟» با شنیدن اسم کفن تکانی نخوردم. ناباورانه از خودم پرسیدم: «پس این پارچه‌ها که ما می‌بریم کفنه؟ وای خدا!» اولین بار بود کفن می‌دیدم.»

چند بار به ما رسید. وسایل امدادگری و وسایل بانسمان را داخل جبهه‌های خالی مهمات گذاشتیم و با وانت به طرف پلیس راه بردیم که یکی از نقاط اصلی درگیری بود و تحویل نیروها دادیم و برگشتیم. یک بار هم با گروه مبارزین مکتب اسلام، گروه اقسای کاظمی، همراه مریم و زهره به طرف پلیس راه رفتیم. تا سه راه خرمشهر رفتیم، ولی نیروهایی که آنجا بودند، جلوی ماشینین را گرفتند و گفتند: «کجا؟ کی گفته شما بیاید اینجا؟! اینجا جای شماها نیست!»

مردها ما را پیاده کردند و خودشان به طرف نقاط دیگری رفتند. چند روزی به سرم زده بود هر طور شده خودم را پیاده به یکی از خطوط درگیری برسانم. فکرم را با مریم در میان گذاشتم. مخالفت کرد و در جوابم گفت: «با ای سرت! دیوانه شدی؟! اگه توی مسیر خلوت اتفاقی برات بیفته چی؟! می‌خوای دست سنتون بنجم بیفتی؟! اگه عراقی‌ها اسیرت کردند چی؟!

مریم درست می‌گفت، ولی وضعیت بحرانی خطوط به امدادگر و کمک احتیاج داشت. در این چند روز، عمده کارهایمان رسیدگی به مجر و جانی بود که از خطوط درگیری با سطح شهر به مطب می‌آوردند. سعی می‌کردم کمک حال بچه‌هایی باشم که واردترند. چند روز اول حضورم در مطب، وسایل بانسمان مثل گاز و بتادین و داروهای مورد نیاز را به دکترا با امدادگران می‌دادم. بعد کمی دل و جرئت پیدا کردم و باند و گاز برای مجروح‌ها گذاشتم و زخم‌هایشان را شست و شو دادم. در حین کار، تجربه کسب می‌کردم و هر اطلاعات جدیدی درباره بانسمان مجروحان را در حافظه می‌سردم تا به موقع استفاده کنم.

این کتاب در ۵۲۳ صفحه همراه با عکس، شمارگان هزار و ۲۵۰ نسخه و قیمت ۹۰ هزار تومان عرضه شده است.